

گفتگو با استعدادهای درخشان

اختراع من را به ثبت برسانید*

محمدحسین کیانمهر در سال ۱۳۳۷ در شهرستان یزد متولد شد. وی مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد خود را در سالهای ۱۳۶۸ و ۱۳۶۴ از دانشکده کشاورزی دریافت نمود و در سال ۱۳۸۰ موفق به اخذ دکترای خود از دانشگاه تربیت مدرس گردید. وی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ به عنوان تکنسین و کارشناس در جهادسازندگی تهران و کرج مشغول به کار بوده است و در حال حاضر کارشناس دفتر نظارت و ارزشیابی وزارت کشور، مشاور هیأت مدیره دستگاه توسعه ماشینهای کشاورزی و مدیر گروه امور فنی کشاورزی مجتمع آموزش عالی ابوریحان می باشد. دکتر کیانمهر تا کنون دستگاههای متعددی در زمینه کشاورزی ساخته و به ثبت رسانده است. به این بهانه مصاحبه‌ای با وی انجام داده‌ایم که از نظرتان می‌گذرد.

○ ○ ○

- ابتدا مختصری در خصوص سوابق تحصیلی و کاری خودتان توضیح بفرمایید.
- بنده استادیار پایه سیزده مجتمع آموزش عالی ابوریحان هستم و در حال حاضر مدیر گروه

امور فنی کشاورزی می‌باشم. در سال ۱۳۸۱ دکترای خود را در رشته مکانیک ماشینهای کشاورزی باگرایش خواص فیزیک مواد کشاورزی از دانشگاه تربیت مدرس اخذ کردم؛ تز دکترای من حل مشکل خردشدن برنج در شمال کشور بود.

○ هدف شما از ساخت دستگاه کودجمع‌کن چه بود؟

● یکی از بزرگترین مشکلات کود دامی در داخل کشور جمع‌آوری آن است که در صورت انجام نشدن این کار مشکلاتی مانند ورم پستان و ناراحتیهای سم و پایین آمدن رکورد شیر ایجاد می‌شود. در حال حاضر ما رقمی در حدود ۸۰۰ الی ۹۰۰ هزار گاو شیری اصیل از نژادهای خارجی که با شرایط ایران وفق داده شده‌اند، داریم که دارای ارزش ژنتیکی و اقتصادی بالایی می‌باشند و برای بهداشت آنها باید فکری صورت می‌گرفت. در تمیزکردن به روشهای سنتی که چندین مرحله است، ابتدا ماله می‌کشند و بعد با لودر و کامیون کود را حمل می‌کنند و بیرون می‌ریزند و بعد بیرون از دامداری دپو می‌کنند. ما دستگاهی ساخته‌ایم که این سه کار را با هم انجام می‌دهد و کمباین کود می‌باشد. یعنی کود را به طور خودکار جمع می‌کند و پشت سر خودش می‌ریزد و تخلیه می‌کند. به طور کلی کود دامی ۵ حالت دارد: جامد، خشک که معمولاً به صورت پودر در می‌آید، مایع، نیمه مایع و نیمه جامد که در سطح بهار بند وجود دارد. این دستگاه قادر است همه آنها را جمع‌آوری کند.

○ ساخت این دستگاه چه مقدار می‌تواند در توسعه کشور مؤثر باشد؟

● وضعیت نگهداری دام در آمریکا، اروپا، کانادا و استرالیا با وضعیت نگهداری دام در ایران متفاوت است. دامهای آنها بسترهایی دارند که به صورت اتوماتیک تمیز می‌شوند، در حالی که سرمایه‌گذاری برای این کار در ایران بسیار زیاد است و شرایط آب و هوایی ما با آنها فرق می‌کند. در واقع آنها توانایی ساختن این دستگاه را دارند، ولی از این مشکلات نداشته‌اند که به فکر ایجاد این دستگاه باشند. ما اول مشکل را در ایران تعریف کردیم و فهمیدیم مشکل چیست و بعد اقدام به یافتن راه حل کردیم. ما با دانشگاه AANDM تکزاس که بزرگترین دانشگاه در زمینه دامپروری است و با انجمن ضایعات یا کود آمریکا نیز مکاتباتی کرده‌ایم و آنها از این دستگاه بسیار استقبال کرده‌اند و معتقدند که این سیستم جدید است و اگر این دستگاه بزرگ شود بعضی از مزارع در آمریکا نیز می‌توانند از آن استفاده کنند. همچنین کشورهای منطقه خلیج فارس و کشورهای شمالی، شرقی و غربی نیز می‌توانند از آن استفاده نمایند. تکنولوژی

این دستگاه بسیار بالاست و فعلاً برای دامداری‌های بزرگ در حدود ۵۰۰ راس طراحی شده است و برای واحدهای زیر ۵۰۰ راس اقتصادی نیست. در حال حاضر نیز تصمیم داریم در واحدهای کوچکتر که حدود ۲۰۰ الی ۳۰۰ راس دارند از آن استفاده نماییم. در واقع اگر این دستگاه در ایران وارد شود حجم بسیاری از سرمایه‌گذاری که صرف تمیزکردن کود در واحد دامپروری می‌شود کاهش می‌یابد. دامدار نیز که فرد مقتصد است ملاحظه می‌کند که این دستگاه در واحدهای بزرگ، جای یک لودر ۱۰۰ میلیونی و کامیون خاور ۲۰ میلیونی و یک تراکتور ۱۰ میلیونی را می‌گیرد؛ یعنی این دستگاه با هزینه‌ای حدود ۱۰ الی ۱۵ میلیون تومان همان کار را انجام می‌دهد و بعضاً لودر قادر به انجام کار این دستگاه نیست، به عنوان مثال می‌تواند کود آبکی را جمع‌آوری نماید. این دستگاه در حال تولید نیمه صنعتی است و کاربردهای دیگری هم دارد، مثل جمع‌آوری گندم و جو در سازمان غله و سازمان تعاونی روستایی. هم چنین شهرداریها برای تمیز کردن خیابانها نیز می‌توانند از آن استفاده کنند. البته فعلاً طراحی این دستگاه برای جمع‌آوری کود است و بعداً که کارهای تحقیقاتی تکمیلی انجام شود می‌تواند بسیاری از مشکلات دامداریها را حل کند. دانشگاه تهران نیز طبق بخشنامه‌های جدیدی که از وزارت علوم آمده است می‌تواند برای صادرات آن به کشورهای همسایه و حتی بعضی از کشورهای اروپایی اقدام نماید، به این شرط که حق ثبت اختراعات برای مخترعین این دستگاه و کشور ایران محفوظ بماند، زیرا در غیر این صورت این دستگاه به راحتی قابل کپی برداری است.

○ پس از اعلام ساخت چنین دستگاهی در کشور، استقبال مسئولان و همچنین شرکتها و واحدهای

خصوصی چگونه بود؟

● خوشبختانه بخش خصوصی حامی این قضیه بود و در حال حاضر نیز متقاضی تعدادی از این دستگاه می‌باشد، ولی چون ما فعلاً توان تولید نداریم نمی‌توانیم پاسخگو باشیم. بنیاد مستضعفان که حدود ۲۳ واحد بزرگ دارد و سازمان تأمین اجتماعی نیز تعدادی از این دستگاه را درخواست کرده‌اند. زیرا این دستگاه برای واحدهای بزرگ کاربرد بسیاری دارد. ولی دانشگاهها چون حدود ۲۰۰ راسی هستند مراجعه نکرده‌اند. البته ما در حال حاضر در این زمینه تبلیغاتی نکرده‌ایم و منتظریم تا کارهای تحقیقاتی آن به طور کامل انجام شود. در نهایت نیز قصد داریم طی نامه‌ای به معاونت پژوهشی دانشگاه تهران، ساخت این دستگاه را اعلام کنیم. در واقع دلیل اینکه ساخت این طرح در ابتدا مطرح نگردیده، به دلیل هزینه‌های سنگینی است که این

طرح در برداشته و دانشگاه نیز قادر به انجام آن نبوده است. ولی بخش خصوصی به دلیل ابتکار و خلاقیتی که در این طرح ملاحظه نموده از آن حمایت کرد و از همه مهمتر بین دانشگاه و بخش صنعت همکاری نزدیکی صورت گرفت. طراحی و تئوری این دستگاه را خودم انجام داده‌ام و طراحی ساخت و تولید نیز تا حدودی برعهده خودم بوده است. کار ساخت و تولید نیز برعهده دو نفر از صنعتگران بوده است.

○ به منظور تولید انبوه این دستگاه چه تدابیری اندیشیده شده است؟

● چون در ساخت این دستگاه از قطعات ساخته شده داخلی مثل موتور، جعبه دنده و دیفرانسیل استفاده شده است، برای تولید انبوه، شرکت‌های داخلی که وابسته به دولت هستند باید این وسایل را به راحتی در اختیار ما قرار دهند. وزارت صنایع و معادن نیز باید برای گشایش ارزی بعضی از قطعات این دستگاه مثل قطعات هیدرولیک به ما کمک کند. همچنین برای ایجاد خط تولید باید زمینه دریافت تسهیلات بانکی با بهره پایین برای ما فراهم شود. تنها درخواست ما از دانشگاه تهران این است که این کار را به عنوان یک کار برجسته در کشور ثبت نمایند ما وقت بسیاری برای این کار صرف کرده‌ایم و حدود دو سال بدون اینکه درآمد خاصی داشته باشیم بر روی آن کار کرده‌ایم. این دستگاه کاملاً جدید است و نمونه خارجی ندارد، بنابراین از دانشگاه خواستار کمک‌های حقوقی برای جلوگیری از کپی‌سازی این دستگاه هستیم. باید برای ما جایگاهی در نظر بگیرند که ما بتوانیم در عین اینکه کار تولید انجام می‌دهیم به آنها نیز منفعت برسانیم.

○ آیا با امکانات موجود در کشور، توان تولید انبوه در داخل وجود دارد؟

● خوشبختانه در کشور همه‌گونه امکانات وجود دارد و هم اکنون ما صنایع فولاد و کارخانه‌های موتورسازی داریم. در واقع ما دستگاه را طوری طراحی کرده‌ایم که با امکانات داخل، تولید آن امکان‌پذیر باشد. فقط موانع اداری در سر راه وجود دارد و مسایلی مثل مالیات، عوارض و بیمه، مشکلاتی را برای ما ایجاد می‌کند که ما تاکنون برای آنها فکری نکرده‌ایم. زیرا همه فکر ما ساخت این دستگاه بود و اینکه آنرا به پای تولید برسانیم.

○ آیا به جز این دستگاه اختراع دیگری هم داشته‌اید؟

● دستگاه دیگری که به ثبت رسانده‌ام (در سال ۱۳۷۲) گاواهنی است که با شرایط ایران وفق داده شده است این گاواهن دوطرفه است و مشکل آماده کردن زمین را حل کرده است.

○ انگیزه شما از ساخت این دستگاه چه بوده است؟

● کشاورزی ایران با یک سری مشکلات عدیده‌ای مواجه است. از جمله اینکه ما در بخش کشاورزی انرژی را لحاظ نمی‌کنیم و با گازوییل لتری سیزده تومان، گندمی تولید می‌کنیم که قیمت آن از قیمت جهانی بیشتر است. اگر بخواهیم روزی این قیمت تمام شده را لحاظ کنیم اساساً تولید محصولات کشاورزی مقرون به صرفه نیست. زیرا ما از ادوات کشاورزی زیاد استفاده می‌کنیم و این ادوات که برای شرایط ایران طراحی شده است فقط نسخه‌های دیکته شده از طرف خارجیها می‌باشد. من به صرف اینکه در ایران زمان شخم کاهش پیدا کند و تسطیح زمین به هم نخورد این گاو آهن را ساخته‌ام. زیرا تسطیح زمین که به هم بخورد روی راندمان آبیاری و نهایتاً روی محصول تأثیر می‌گذارد، در صورتی که اگر تسطیح به هم نخورد و زمان کمتری هم صرف کند، کشاورزی اقتصادی می‌شود. امروزه علت اینکه کشاورزی منفعت ندارد این است که ما در روی زمین از ماشین خیلی استفاده می‌کنیم در واقع این گاو آهن برای شرایط ایران طراحی شده است و یا گاو آهن خارجی فرق دارد.

○ علت اینکه تاکنون شما موفق به تولید انبوه این دستگاه نشده‌اید چیست؟

● یکی از مشکلات این است که کشاورزها از نوآوریها استقبال نمی‌کنند مگر اینکه کار ترویجی بر روی آنها انجام شود. هزینه این کار نیز از عهده سازنده و تولیدکننده خارج است و باید سازمان ترویج ما را در این امر یاری نماید. اغلب کارها به این صورت موفق بوده است. ما در حال حاضر روش بذرکاری را داریم که از همین روش ابداع و اختراع ساخته شده است. همچنین اگر واحد حقوقی و معاونت پژوهشی کمکهای حقوقی کند، این دستگاه به راحتی به تولید انبوه می‌رسد. تاکنون نیز متقاضی این دستگاه زیاد بوده است و تولید آن بالای ۱۰ هزار دستگاه می‌باشد. ولی به دلیل کپی برداری تاکنون نتوانسته‌ام آن را تولید کنم و این نکته باید در مملکت ما جا بیفتد، مخصوصاً دانشگاه تهران باید از کسانی که اختراعی دارند که قابل تولید است حمایت کند تا بقیه نیز از این طریق بتوانند در جهت ایجاد منابع درآمد برای دانشگاه اقدام کنند.

○ آیا در حال حاضر اختراع دیگری نیز در دست اقدام دارید؟

● دستگاه دیگر شلتوک خشک کن می‌باشد که هنوز به ثبت نرسیده است. تز پایان نامه فوق لیسانس من روی دستگاه خشک کنی بود که من از طرف وزارت جهاد برای خرید آن به کشور دانمارک رفته بودم. در آنجا دیدم که این خشک کن خیلی ساده است. کارهای مطالعاتی آن را در

داخل انجام دادم که آن هم توسط بخش خصوصی برای ذرت ساخته شده است. این طرح در حد طراحی و کپی سازی، آگاهانه قادر به خشک کردن حدود یک میلیون تن ذرت می‌باشد. از ۴ سال پیش من در صدد برآمدم که مشکل برنج شلتوک را حل کنم، زیرا بزرگترین مشکل که در شمال وجود دارد این است که زارع، حدود ۱۰۰ کیلوگرم شلتوک به یک شالیکوبی تحویل می‌دهد ولی فقط بین ۴۵ تا ۵۰ کیلوگرم برنج تحویل می‌گردد. در صورتی که این رقم باید در حدود ۶۷ کیلوگرم باشد. در واقع ۱۷ تا ۲۰ کیلوگرم از برنج زارع خرد می‌شود و موجب کاهش قیمت فروش برنج به نصف قیمت اصلی می‌گردد.

○ در پایان اگر صحبت دیگری در خصوص فعالیت‌های خود دار بدبفر مایید؟

● طراحی دیگر من که تاکنون مسکوت مانده است پمپ جدیدی است که تز دانشجویان فوق لیسانس است. این پمپ، پمپ پیستونی دوار می‌باشد که بدون سوپاپ است. از دیگر فعالیت‌های من پایان نامه ریباتیک است که مقاله آن در کنفرانس اندونزی به چاپ رسیده است. این دستگاه با نگاه کردن به گیاه، عمل تنک کردن را انجام می‌دهد، که من مشاور این طرح بوده‌ام و دانشجویی به نام سرامی این کار را انجام داده است. متأسفانه چون ما در مجتمع عالی ابوریحان دانشجوی فوق لیسانس نداریم، من مجبورم موضوعاتم را به دانشکده‌های دیگر ببرم و فقط به عنوان مشاور قرار بگیرم.

علوم انسانی یا روش*

«یاسر موهبتی» فارغ‌التحصیل سال ۱۳۷۶ مرکز علامه حلی تهران و مدرس درس علوم اجتماعی در دبیرستان است. امسال تلاش او در تشکیل کارگاه درس اجتماعی نویدبخش آینده‌ای است که شاید در سال تحصیلی آینده منجر به تشکیل دوباره رشته علوم انسانی در استعداد‌های درخشان ایران گردد. مصاحبه با او را ملاحظه فرمایید.

○ چرا رشته علوم انسانی در دانشگاه؟

● به خاطر علاقه‌ای که داشتم. اکثر آدم‌های اثرگذار در این رشته تحصیل می‌کردند، شما تا

حال دقت کرده بودید؟ لذا احساس کردم و تصمیم گرفتم که رشته اقتصاد را ادامه دهم. و خُل هم نبودم! به ریسکش کاملاً می‌ارزید.

○ و برای اینکه بچه‌های علامه حلی رشته‌های علوم انسانی را قُرُق کنند راه حلی می‌رسد؟

● به نظر من باید علاقمند شوند و اگر علاقمند باشند حتماً موفق می‌شویم و برای علاقمندی باید مطالعه کنند. بچه‌ها باید بدانند، کار خواهی نخواهی آخرش می‌افتد دست بچه‌های علوم انسانی. مثل غریبه‌ها، که نیروی فنی خود را از جهان ما می‌گیرند و نخه‌های خودشان به علوم انسانی می‌پردازند.

○ دور از جان شما بچه‌های نخبه علامه حلی غالباً که نه، تقریباً همگی به رشته‌های ریاضی و بعضاً

تجربی می‌روند. خیلی تأسف آوراست!

● چقدر در راهروهای دانشگاه‌های علوم انسانی غریبه بینم؟ من رفته بودم برای سمیناری در دانشگاه صنعتی شریف به هر طرف که نگاه می‌کردم علامه حلی می‌دیدم! آنوقت در ده دانشگاه علوم انسانی ده دانش آموز نمی‌روند. خوب بچه‌ها باید بدانند علوم انسانی فقط برای چاشنی زندگی نیست، دو تا جشنواره رفتن و چهار تا فیلم برای شب دیدن نیست. علوم انسانی به قدر یک زندگی، ده زندگی برای زندگی من و تو، برنامه، جذابیت، عشق و حتی درآمد دارد!

○ بچه‌ها را تشویق کنید، هم در مدرسه رشته علوم انسانی دوباره راه بیفتند هم در انتخاب رشته‌های

دانشگاهی، گرایش به علوم انسانی داشته باشند.

● موجب توهین به کسی نباشد، تشویق بچه‌ها برای رشته علوم انسانی، گول زدن آنها یا فریب دادن آنها نیست، تَخْرُج هم نمی‌خواهد. این تفسیر، نخ‌نما، مبتدل و فراموش شده است. طرفهای ما - بیرجند، زهان - جنگ خروس زیاد است. قبل از جنگ، خروسهای همدیگر را برانداز می‌کنند تا قدر هم باشند. انتخاب علوم انسانی هم همینطور است، باید به ذوق و سلیقه بچه‌ها بخورد، و قدر علوم انسانی باشند. غالب بچه‌های علامه حلی این خصیصه را دارند. همین علیرضا شجاع [فارغ التحصیل از تنها دوره علوم انسانی ۸۰ علامه حلی تهران] که حقوق علامه قبول شد، به نظر شما صنایع پلی تکنیک قبول نمی‌شد؟ - حالا به آقای گلشن (سر دبیر محترم خبرنگار و مدیرکل فوق برنامه سازمان) برنخورد و بچه‌های صنایع سابق و لاحق، خوب هم قبول می‌شد. خودش خواست و حالا این آقای گلشن لابد بعدها یک‌گند در کارخانه بالا می‌آورد، با التماس می‌دود در دفتر همین شجاع التماس که بیا و از من دفاع کن.

○ آقای گلشن که تغییر رشته داده به تاریخ، در تاریخ برای اولین بار یکی از رشته صنایع کشور از صنعتی شریف تغییر رشته داده به تاریخ!

● چی؟ رضا تغییر رشته داده؟ ماشاءالله خوب رضا نه، یک مهندس صنایع دیگر الحمدلله تا بوده علامه حلّی مهندس صنایع تولید کرده!

○ می‌خواهم از این بحث بیرون بیایم. حرف آخری نیست؟

● خب بچه‌ها بیاید دیگر! هر آدم عاقلی که بخواهد از انسان، مبدأ و حیات نگرشی داشته باشد باید بیاید علوم انسانی، هر آدم جاه‌طلبی بخواهد به جایی برسد باید بیاید علوم انسانی، هر آدم که بخواهد به کشور و عقیده خود خدمتی کند باید بیاید علوم انسانی، بابا وضع مالی بچه‌های این رشته هم بد نیست! وحشت نکنید، بیاید!

○ علاقمندان معدودی! وجود دارند که می‌خواهند از انگیزه و طرح اولیه شما در برگزاری کارگاه

علوم اجتماعی پایه اول دبیرستان مطلع شوند، لطفاً توضیحاتی در این مورد ارائه فرمایید!

● من احساس می‌کردم پایه رشته علوم انسانی در دبیرستان، به عبارت دیگر مدخل آن علوم اجتماعی است. برگزاری کارگاه، هم مرا به دوباره خوانی و مرور خواننده‌هایم وامی‌داشت و هم از خاطره تلخ کلاس اجتماعی دوره دبیرستان فاصله می‌گرفتم. از معلم بزرگوارم قدردانی می‌کنم ولی حقیقتاً این کلاس شده بود، کلاس حل تمرین درسهای دیگر. خواستم الگوی موفق‌تری را در این درس ارائه دهم. حالا شد یا نه، خدا می‌داند و بچه‌های کلاس!

○ مرکز از این گونه برنامه‌ها استقبال می‌کند؟

● تغییرات انجام شده در بخش آموزشی در سال جدید بسیار امیدوارکننده است و با ایجاد معاونت آموزشی فعال، امکان پوشش چنین برنامه‌هایی مقدور گردید. یک مطلب دیگر اینکه می‌خواستم یک کار گروهی در تدریس را تجربه کنم و مدیریت مرکز از چنین تجربه‌ها استقبال می‌کند. البته از همان ابتدا کار میدانی و تهیه مطالب را خودم عهده‌دار شدم ولی از دوستان با اوزان مختلف مثل آقای گلشن و غیره هم خواستم در جمع و جور کردن مطالب به من کمک کنند. این کار جمعی کم حاصل هم نبود و ما مواد اولیه لازم برای آموزش یکنواخت در کلاسها و هم چنین در سالهای بعد در همین پایه را حدودی آماده کردیم. شاید هم انشاءالله علوم اجتماعی دوم انسانی علامه حلّی!

○ خوب، کمی از خودتان برایمان بگویید؟ در کجای تحصیل هستید؟ گرفتار یا نه و باقی قضا با...

● دارای لیسانس، دانشجوی فوق لیسانس و متأهلم! مسئول کارگاه علوم اجتماعی پایه اول و عربی هم درس می‌دهم. تبرکاً چند ساعتی هم قرآن کریم شاگردی می‌کنم به عنوان درس دادن که ادعا بزرگی است، ولی خوب زندگی خراسانی که سال به سال می‌رود پابوس امام رضا (ع) بی تحفه قرآنی نمی‌شود، این احساسات شخصی ما به چه درد بچه‌ها می‌خورد؟

○ به آنها کمک می‌کند معلم‌ها ایشان را بهتر بشناسند و در انتخاب‌های خود آنرا دخیل کنند.

● انتخاب نباید از روی احساس باشد. احساسات می‌توانند آدم را برای یک هفته، یک ماه یا یکسال حفظ کنند، ولی بعد تباهی به سراغش خواهد آمد. بچه‌ها باید از صمیم دل بخواهند احساسی شبیه به عشق که من آنرا به شوق تعبیر می‌کنم، باید به علوم انسانی، هنر، کار و تحصیل و زندگی خوب، شوق پیدا کنند. این احساس گونه چنان با فرد در می‌آمیزد که تا سالها شیرینی‌اش از کامشان بیرون نخواهد رفت، این قضیه در تمام امور زندگی جاری است.

○ خوب حرف می‌زنید. خراسانیها در دوره اخیر چند استاد بزرگ سخن و معرفت داشته‌اند مثل شهید مطهری و دکتر شریعتی. خطه دانشمند خیزی است.

● خراسانیها حرف خوب، خوب می‌زنند، به خانواده اهمیت فوق العاده می‌دهند و شاید بطور بومی خوش حافظه و کوشا باشند. بهر حال چهار راه تمدن ایران بوده است و حاشیه‌نشینان کویر در طول تاریخ درخشش فوق العاده داشته‌اند. این خصلتهای عمومی خراسانی است، ولی به ما زیاد ربطی ندارد ما بزرگ شده تهران هستیم!

○ کتابهای خاطره انگیز دوره دبیرستان خود را برایمان می‌گویید؟

● من کیمیاگر کوئیلو و یادنیای سوفی از آنطرفی‌ها و اینطرفی هم همین کتاب خدمات متقابل که کتاب شگفت‌انگیزی است و با داستان راستان. بچه‌ها با همین کتابها کلید حقیقت را خواهند یافت.

○ و تجربه‌های خاص دوره نوجوانی که شنیدنی است؟

● نه به عنوان معلم اجتماعی یا فارغ‌التحصیل سمپاد این مطلب را می‌گویم، بلکه برای همه شاگردانم و بچه‌هایی که این مصاحبه را می‌خوانند مایلم این تجربه شگفت‌انگیز را نقل کنم. وقتی در نوجوانی قرآن کریم را می‌خواندم حس می‌کردم این کتاب به زبان نوجوانان آمده، همه‌اش دلپذیر و شیوا و برای یک نوجوان جذاب است و این حس هم، هم چنان در جوانی و با پرس و جو‌هایی که کردم برای هر شخصیتی در هر سن و سالی و موقعیتی پیش آمده و گویی می‌بیند قرآن کریم در همان لحظه بی واسطه با زبان در خور فهم او به زبان مخاطب با او سخن

می‌گوید. به‌نظرم بچه‌ها هم جا دارد این امر را تجربه کنند؛ بطور مطلق تجربه‌ای است که خاص خود این کتاب است.

○ و کتاب برگزیده همه عمر. هر چند، چندان عمری از شما نگذشته است؟

● کتاب چهل حدیث حضرت امام را مرکز به مناسبتی به من هدیه داد و باعث علقه خاصی به آن شد، ده بار حدیث اولش را خواندم و خواندن آنرا به همه بچه‌ها توصیه می‌کنم، بسیار مفید و امیدبخش است. کتابی است برای همه عمر.

○ در آخرهای مصاحبه از معلم‌های برگزیده‌ای که ما یلید از آنها نام ببرید برایمان بگویید.

● آقای امیری معلم محبوبی برای من بود. و در سال چهارم دبیرستان آشنایی‌ام با آقای آراسته فوق‌العاده تاثیرگذار بود. ای کاش زمینه‌ای فراهم می‌شد که بچه‌ها در پایه‌های پایین امکان دسترسی و آشنایی با ایشان را داشته باشند. معلم قرآنم آقای طباطبایی هم رفتارهای بسیار اثرگذاری داشتند. همشان قابل احترام بودند، ولی اینها چیز دیگری بودند. چه سؤال سختی! آدم از مصاحبه کردن پشیمان می‌شود!!

○ کلامی که به خاطر سپردنش لازم است.

● هر چیزی را برای خودت می‌خواهی برای دیگران هم بخواه و اگر به عیوب خودت

پرداز از پرداختن به عیوب دیگران امان می‌یابی!

○ حکمتی که نیاز به مرور هرروزه دارد.

● انظر الی من قال و لاتنظر الی ما قال. نگاه کن ببین چه می‌گوید نه آنکه کی می‌گوید.

○ خاطره شیرین و ماندگار از مصاحبه؟

● وقتی آدم می‌خواهد جدی مصاحبه کند همه چیز از یادش می‌رود!

○ و آدرسی که بشود با شما تماس گرفت؟

● yasser-Mouhebati@yahoo.com